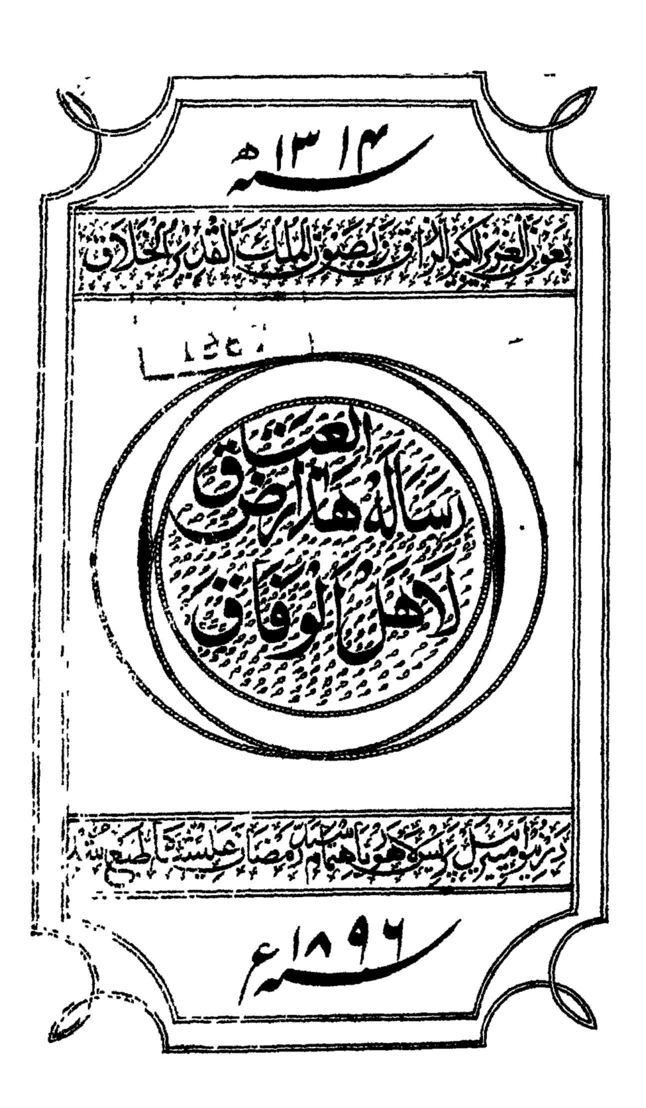
3537
/
51A



سنہ ۱۳۱۴ھ
بعون العزیز الکریم الرزاق و بصون الملک القدیر الخلاق
العشاق
لاہل الوفاق
سنہ ۱۸۹۶ع

بعون الله

الملک العزیز الخلاق

این رسالہ موسومہ بہ ارض العراق لا
هل الوفاق فارسی در متن و بر حاشیہ آن
رسالہ موسومہ بہ اباحہ ارض کربلا لاهل الولاء ترجمہ اردو
مبرهن ببراهین ساطعہ و قوانین قاطعہ عقلاً و نقلاً بطور تحفہ
جلیلہ و ہدیہ جمیلہ بجناب مستطاب رفیع الشان منیع المکان سلیمان
شان سلیمان نشان فخر الدوران مروج دین والایمان قامع
الکفر والطغیان مقرب الخاقان سرکار عظمت مدار نواب
بواب ثامن ائمۃ الدوران حاجی نواب ناصر علیخان صاحب
مازال صحیحاً سالماً قائماً دائماً موفقاً مادار الدوران
و ماسار النیران پیشکش نمودہ ۱۲ صفر المظفر
طبع پوشید و کان ذلک فی سنہ ۱۳۱۴
بعد الهجرۃ النبویہ علیہ الف
سلام و التحیہ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل السماء والارض كما صدقا فالسيدة
بنساء العالمين والصلوة على سيد الانبياء والمرسلين
والائمة من عترته حجج الله على الخلق اجمعين اما بعد

اقل بنی هاشم سید ابو القاسم بعرض برادران ایمانی میرساند که نام این رساله
ارض العراق لاهل الوفاق است که در جواب یکی از اهل سنت اسلام نوشته
شد اولا اصل سوال سائل نقل کرده بعد ازان جوابش بوجوه مختصره و عبارت
سامی مینگارد **سوال** چه میفرمایند علماء شیعه درین مسئله که زمین کربلا بعهد خلافت
خلیفه دویم بقهر و غلبه مفتوح شده بود و بنا بر تصریح مورخین فریقین حضرات سبطین
علیهما السلام درین جهاد شریک بودند چون کتب شیعه مثل شرایع الاسلام و
جواهر الکلام مصرح اند که سواد عراق بقهر و غلبه مفتوح شد بیع و شرا درین و وقف هبه

آن جائز نیست کہ مال جملہ مسلمانان است **پس** خریدن حضرت امام حسینؑ
زمین نینوا را اور مسافت چہار میل مربع از زمینداران ش و باز وقف کردن
آن برائی شیعیان خود چنانچہ در کتب مصایب درج است چگونہ جائز بود وکدام
مذہب درست خواہد بود حالانکہ علماء شیعہ اتفاق دارند کہ چنین زمینی را تصرف
کردن جائز نیست **خاصہ** سواد عراق را برای عدم جواز تصرف چنین
اراضی نظیر قرار دادہ اند **وایضاً** تدفین مردگان شیعہ در ارض کربلا کہ
از راہ ہائے دور دور مے آرند بامید مغفرت ونجات از فشار قبر چنین زمین
کہ غصب حق مسلمانان است می سپارند چگونہ جائز خواہد بود اگر ہمین مذہب
شیعہ است پس حضرات شیخین را ہم فشار قبر نشدہ باشد بلکہ ثواب خواہد بود
سائل امیدوار است کہ جوابے کہ قابل اطمینان عوام مسلمانان باشد تحریر فرمایند
بینوا وتوجروا **جواب اول** رفتن جناب حسنین سلام اللہ علیہما
در جنگ عراق عرب ثابت نیست ومردیہ جواہر خود مصنف ضعیف شمردہ
بغرض تصحیح وتسلیم می تواند بود کہ عمر درخواست کردہ جناب امیر المومنین علیؑ

علیه السلام جناب حسنین را فرستاده باشد چون اهل عراق اسلام را بمحض
فتح قبول کردند مال واملاک ایشان مامون ومحفوظ وقبض وتصرف وملکیت
ایشان برقرار ماند بنابران حضرت امام حسین ع زمین نینوا را از اهل ملاکانش
که نشیبان اهل بیت علیهم السلام بودند خریده وقف فرمودند پس اعتراض سائل
باطل است **جواب دویم** آیا زمین کربلا زمین آباد بود یا غیر آباد
برتقدیر اول چون زمینداران که قابض وعامر زمین مذکور بودند بعد قبول
اسلام احق واولی بالتصرف اند بآن زمین کما قال الشافعی البلاد علی
ضربین ضرب اسلم اهلها علیها عامرها مملوک لاهلها۔
پس خریدن آن از زمینداران صحیح وجایز است وبرتقدیر ثانی یعنی زمین
غیر آباد پس آن بموجب شرع شریف در حکم انفال است هر کس از مسلمانان
زمین غیر آباد غیر مملوک را آباد کند از آن اوست واو احق واولی بالتصرف
میباشد بآن چون بنی اسد از مسلمانان بودند وزمین مذکور را آباد نمودند
ایشان مالک آن زمین میباشند بدین لحاظ جناب امام حسین علیه السلام

از بنی اسد خریده وقف فرمودند **جواب ثالث** میتواند بود که جناب امیر المومنین علیه السلام در زمان خلافت خود زمین مذکور را که در حکم انفال بود بقوم بنی اسد که از شیعیان اہل بیت بودند تملیک نموده باشد از ینجهة حضرت امام حسین ع از مالکانش خرید ند **جواب رابع** باید دانست که هرگاه جابری ملکی را بغیر اجازت و اذن امام برحق گرفته باشد آن ملک مال امام برحق است چونکه زمین مذکور در عهد عمر مفتوح شده بود حضرت امام حسین که امام زمان بود و مالک و صاحب اختیار آن زمین بودند بنا برآن از بنی اسد که شیعیان اہل بیت بودند و بران زمین قبضه داشتند برعایت حقوق عارضیه عامه به خریده خالصاً بابت سکونت و دفن شیعیان وقف فرمودند **پس** بوجوه مذکوره تدفین شیعیان در زمین کربلا شرع مطہر صحیح و درست و جایز است هیچ قدحی ندارد خاصاً باتفاق امت آنکسیکه خلیفه الله و مخصوص خاص اولاد و اہل بیت رسول الله باشد و در شان او آیات قرآنی و احادیث متواتره متفقه امت مثل حدیث ثقلین و سفینه و

یا بقول فیل نے بنی اسد ... اس بارے میں ... مالک اور صاحب ... امام حسین علیہ السلام ... مفتوح ہوئی تھی ... مال امام برحق ... جابر ... ملکی ...

مسلمان اور شیعیان اہل بیت علیہ السلام میں ... عارضہ عام ... خالصاً ... سکونت اور دفن شیعیان وقف کردیا **پس** بوجوہ مذکورہ تدفین شیعیان زمین کربلا میں ... شرع مطہر میں صحیح ... خاصاً باتفاق امت ... خلیفہ اللہ ... اولاد و اہل بیت ... آیات قرآنی و احادیث ... متواترہ متفقہ امت ... حدیث ثقلین ... سفینہ ...

وغیره وارد وموجود باشند چگونه میتواند بود که شخص از اشتراک ارض کربلا جاهل باشد وبدون تحقیق زمین مشترک را خریده وقف نماید این تجویز را دلی عاقلی بهیچ مشتری که اندک مایه شعوری داشته باشد نخواهد کرد وپس خریدن جناب سید الشهدا ارض مشترکه را چگونه متصور خواهد بود وحالانکه در صحاح اهلسنت مروی است که حضرت امام حسین ع علیه السلام در حالت طفولیت دانه خرمای بطرف دهان مبارک برده بود حضرت رسالتمآب صلعم بلفظ کخ کخ یا بنی اما تعلم ان الصدقة علینا اهل البیت حرام خطاب فرمودند پس جناب امام حسین ع دفعة آن دانه خرما را دور انداختند شارحین بخاری بطور سوال وجواب نوشته اند که جناب پیغمبر خدا طفل صغیر غیر مکلف را چرا الا تعلم فرمودند باز در جوابش مینویسند که حسین ع را در حالت مهد تمام لوح محفوظ نشان داده بودند واعجبا این قوم باوجودیکه حال حسنین ع علیهما السلام را این طور مینویسند باز آن عالم ما کان وما یکون یعنی جناب امام حسین ع را در خرید زمین مشترکه اسناد جهالت مینمایند اگر اظهار این خرافات از باب جهالت سایل

یا از عناد و تعصب نیست پس حیث العباد . . . اخا . . . یم

ماشد اینحالات شنیده هرگز همچنین تجویزی بر امام علیه السلام نخواهد کرد دلیل

شرافت این زمین اطهر کربلا بسبب خونریزی . . . سبط انبیا ای حسین

ثابت است لقوله تعالی ابنائنا و ابنائکم و قوله حسین منی و انا من حسین

و قوله الحسین سبط من الاسباط و قوله علیه السلام الحسن و الحسین

ابنائی پس هرجا که خون و گوشت او که بعینه خون و گوشت . . . است پس

بریزد آن زمین البته اشرف البقعات خواهد بود و آن زمین برای شیعیان

اهل بیت جای امن و امان و باعث نجات دارین است . . . متفق

علیه فریقین برین مدعا شاهد و گواه است که حضرت امام حسین علیه السلام را

عوض شهادت چهار چیز عطا شد الشفاء فی تربته و اجابة الدعاء تحت

قبته و الائمة من ذریته و الشفاعة فی امة جده پس اگر زمین کربلا

مغصوب بود چگونه شفای هر مرض و محل اجابت دعا و مهبط ملائکه و انبیا میشد

پس واضح باد که در تدفین شخص در خانه مطهر پیغمبر مشترقین بلا اذن غصب

سرت ... وقت ... پیغمبر صلی الله علیه و آله سکونت ودفن شهیدان در
زمین ... بدون اذن امام علیه السلام شرعاً جائز نیست و داخل شدن غیر در خانه
پیغمبر منوره صلی الله علیه و آله بنص صریح قطعاً ممنوع ومنهی عنه میباشد لقوله تعالی
لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم پس تدفین شیخین حرام ومغصوب
... شد چه اگر شیخین را هیچ حقی از راه تملیک از روی وراثت حاصل
... حقه یعنی اهل بیت اذن حاصل کرده بودند ونه هنوز تقسیم
شده بود که بحجره وجنتین مستحق اذن ایشان میبودند واگر مروی ابوبکر لا نورث
را ... که بعرض ... حق فاطمة الزهراء مثل فدک وغیره وضع
... خانه نبوی را هم صدقه قرار داده بود پس چگونه در روضه مقدسه
دفن شدند که نه از اهل بیت عصمت وطهارت ونه از تمام مسلمانان اذن
حاصل کرده بودند خلاصه مثل فدک وخلافت خانه نبوی را غصب کرده مرتکب
فعل حرام شدند دفن شدند وشیخین دفن یا مجاورت فایده برای ایشان
مترتب نمیتوانند شد بلکه مستوجب باشد عذاب وعقاب تا یوم الحساب خواهند بود

ایا نمی بینی که کفار و منافقین را که تا حال مسکنت و مجاورت حرمین
دارند هرگز فائده نمی بخشد چنانچه متفق علیه روایت است که من غصب ارضا
طوق الله ذالك غاصبا یوم القیامه پس باطل را مشابه و مماثل حق
ساختن قطعا باطل است سادسا آنکه تمام روی زمین و پنج دریا [illegible]
بمهر جناب فاطمة الزهراء باحادیث متفقه ثابت است چنانچه دیلمی در فردوس الاخبار
آورده عن ابن عباس قال قال رسول الله یا علی ان الله زوجك
فاطمة وجعل صداقها الارض فمن مشی علیها مبغضا لك
مشی حراما وایضاً باحادیث متفقه وارد است که دریای دجله و فرات
و نیل و جیحون و سیحون و خمس دنیا هم حق سبحانه و تعالی در مهر آنحضرت قرار داده پس با وجود
این احادیث چگونه زمین عراق غصب میتواند بود و اگر این زمین غصب
میبود حجة الله عالم ما کان وما یکون یعنی جناب سید الشهداء چگونه
برتدفین خود و شیعیان خود راضی شد سبحان الله انا میکه تمام روی زمین
و آب نهرین جیحون و سیحون و دنیا در مهر مادرش باشد آیا میتواند بود که آنحضرت و شیعیانش در زمین

معصوب مدفون می شدند پس از این حدیث ثابت می شود که مخالفین بلا
اذن امام در روی زمین هر جا که مدفون شده اند معذب بعذاب ابدی خواهند
بود بلکه حال کسانیکه بود باشیده در خانه مطهر و روضه مقدسه بلا اذن و اجازت
غصبا و قهرا داخل و دفن شدند تا لبیه مجاورت و مقاربت و معیت
و مصاحبت کافرین و مشرکین و منافقین و ظالمین و غاصبین موجب
و مستلزم شرافت و نجات از عقوبت شدید عاقبت اصلا و ابدا ممکن و
متصور نیست چه اینحالت یعنی معیت و مجاورت نیک و بد ظاهر العین
و محسوس العین انسان و حیوان انبیاء کفار در هر زمانی از قدیم الایام طوعا و
کرها واقع شده و می شود چنانچه از معیت الهی کسی خالی نیست لقوله
تعالی اینما کنتم و هو معکم الخ و آیه نجوی چون ما یکون من نجوی
ثلثة الا هو رابعهم الخ و آیه یا صاحبی السجن و آیه الم تر کیف
فعل ربك و مثل این دیگر آیات شاهد این مدعا هستند و هو کاه
این ثابت شد پس معیت و مصاحبت و مقاربت شیخین با سرور انبیاء در حیات

وبعد مرگ بدخول و دفن بودن ایشان در بیت الشرف آنحضرت بلا اذن بقہر

وغلبہ وغصب اصلا وابدا دلیل شرف ونجات نخواہد بود بلغیر از زیادتی گناہ

وعذاب عاقبت وشاهد ثانی زیادہ از پانزدہ حدیث بمقامات

متفرقہ در ذیل سورہ کوثر کہ در کتاب الرقاق بخاری ضبط وثبت میباشد

از انجملہ قال صلعم لیردن علی یوم القیمۃ رھط من اصحابی انا

اعرفھم وھم یعرفونی فیخذون ذات الشمال منزدونی فاقول

یارب اصحابی اصحابی فیقال لی انک لا تدری ما احدثوا بعدك فلم یزالوا

مرتدین قھقریا منذ فارقتھم فاقول سحقا سحقا لمن غیّر دینی

ای بُعدا بُعدا قالہ ابن عباس انتہی خلاصۂ مضمون حدیث شریف

اینست کہ روز قیامت جماعتی را از اصحاب من از حوض کوثر گرفتہ بسوی جہنم

خواہند کشید وآنحضرت خواہند فرمود خداوندا اینہا از اصحاب من میباشند ندا

از جانب پروردگار رسید کہ یا نبی نمیدانی کہ بعد از تو ایشان چہ بدعات

جاری کردند وبمحض وفات تو ایشان مرتد شدند وبرگشتند بکفر اصلی خود

پس آنحضرت خواہد فرمود دور کنید دور کنید ایشان را کہ بعد از من
تغیر دادند دین مرا پس اگر این احادیث بخاری صحیح اندمی پرسیم کہ اصحاب
کفر و ارتداد کردہ بودی پیغمبر خدا ماخوذ خواہند شد کیستند و چند کس ہستند و
در مجلد سادس بخاری در غزوہ حدیبیہ از پدر علا بن مسیب روایت کردہ
کہ من بہ براء بن عازب گوارا باد گفتم چہ تو از جملہ اجلہ صحابہ نبوی و از اہل بیعت
رضوان بودی برادر جوابم گفت چہ گوارا باد بما اے پسر برادر و تو نمی دانی
کہ ما صحابہ معذلک بعد مرگ آنحضرت چہ بدعات در دین اسلام احداث
و جاری کردیم پس خود برا اقرار کرد باجرای بدعات با رفقای خود و اگر
تفصیل جمعی از مبدعین صحابہ میخواہی پس کتاب نعمہ جاحظ و ابن
ابی الحدید و اولیات مشایخ ثلثہ از تاریخ الخلفاء سیوطی و ابن سعد
و کتب سیر در یاب کہ ہمہ اینہا ائمہ حدیث و سیر از اہل سنت اند و روایت
این است قال لقیت براء بن عازب و قلت طوبی لک صحبت
رسول اللہ ﷺ و بایعتہ تحت الشجرۃ فقال یا ابن اخی انک لاتدری

ما احدثنا بعده انتهى - اعاذنا الله والمؤمنين جميعا من طمع الدنيا
وبيع الآخرة بقليل من متاع الدنيا و ديگر ادله درین باب هستند لکن
بسبب تعلل و عدم گنجائش درین ورقیه ثبت نشد بشخصی را که قلیل و
قال قلیل کفایت نکند دلائل کثیره هم مفید نخواهد بود فالله یهدینا
الى التحقيق والدليل ويحفظنا من الضلالة والتضليل والحمد
لربنا الجميل والصلوة على نبينا الجليل والائمة الهداة الى
سواء السبيل تمت هذه الورقية بالايجاز والاختصار
بكمال التعجيل في ساعة واحدة سنة ۱۲۳۱ هجری ۲ شوال
فعليه الاتكال